The Doctrine of Repentance in Islam from the Perspective of Allameh Tabataba'i and Shahid Motahari and Comparing It with the Teachings of Christianity

Seyyed Reza Hosseini[1]

Abstract

The subject of repentance in relation to human happiness and perfection means returning to the path of guidance; accordingly, it has been analyzed and studied as one of the basic and main teachings of divine religions on different occasions and from different perspectives and dimensions. The similar or different attitudes of divine religions can help to understand this concept more deeply; accordingly, in this article, we have tried to compare the concept of repentance in the Holy Quran and the Bible using a qualitative method and a content analysis approach. The results obtained in this comparison indicate that in both the Holy Books of the Quran and the Bible, repentance is introduced as a return from evil deeds and sins, and the results resulting from it are forgiveness of sins and achieving happiness and salvation and reaching eternal paradise; however, the differences, while being comprehensive in the Quranic statement, are related to several basic issues: according to the verses of the Quran, repentance is related to human sins; however, according to the Bible, in addition to sins, repentance is also included in the inherent and natural sin of man. According to the verses of the Quran, repentance is divided into two types: the repentance of a servant and the repentance of a worshiper; but such a division does not exist in the Gospels. In the Quran and Islamic tradition, there is no intermediary between man and God for repentance and divine forgiveness; but in the Christian tradition, the church system is the intermediary for forgiveness and grace. There are also differences between the Quran and the Gospel in the obligation and conditions for accepting repentance.

Keywords: repentance, Quran, Gospel (New Testament), Holy Bible, Islamic tradition, Christian tradition.

1. Assistant Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies
Email: r.hoseini@ihcs.ac.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

آموزۀ توبه در اسلام از دیدگاه علامه طباطبائی و شهید مطهری و مقایسه آن با آموزه‌های مسیحیت

سید رضا حسینی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲)

چکیده

موضوع توبه در نسبت با سعادت و کمال انسان به معنای بازگشت به مسیر هدایت است؛ بر همین اساس به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی و اصلی ادیان الهی به مناسبت‌های مختلف و از دیدگاه‌ها و ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نگرش همسان یا ناهمسان ادیان الهی می‌تواند به فهم عمیق‌تر این مفهوم کمک کند؛ بر همین اساس در این نوشتار تلاش کردیم تا با استفاده از روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا مفهوم توبه را در قرآن کریم و انجیل مقایسه کنیم. نتایج به‌دست‌آمده در این مقایسه حاکی از آن است که در هر دو کتاب مقدس قرآن و انجیل، توبه به عنوان بازگشت از عمل قبیح و گناه معرفی شده است و نتایج مترتب بر آن بخشش گناهان و نیل به سعادت و رستگاری و رسیدن به بهشت جاویدان است؛ اما تفاوت‌ها ضمن جامعیت بیان قرآن به چند موضوع اساسی مربوط است: مطابق آیات قرآن متعلق توبه گناهان آدمی است؛ اما مطابق انجیل، گذشته از گناهان، توبه مشمول گناه ذاتی و جبلی انسان نیز می‌شود. مطابق آیات قرآن توبه به دو نوع توبه عبد و معبود تقسیم می‌شود؛ اما چنین تقسیمی در اناجیل وجود ندارد. در قرآن و سنت اسلامی برای توبه و مغفرت الهی واسطه‌ای میان انسان و خداوند وجود ندارد؛ اما در سنت مسیحی، دستگاه کلیسا واسطه بخشش و فیض است. همچنین در وجوب و شرایط قبول توبه نیز تفاوت‌هایی میان قرآن و انجیل وجود دارد.

واژگان کلیدی: توبه، قرآن، انجیل (عهد جدید)، کتاب مقدس، سنت اسلامی، سنت مسیحی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رایانامه: r.hoseini@ihcs.ac.ir

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

مقدمه

توبه از پرکاربردترین موضوعات دینی است که به مناسبت‌های مختلف و از دیدگاه‌ها و ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. توبه به عنوان یکی از آموزه‌های اساسی و اصلی ادیان مختلف همواره مورد بحث و در کانون توجه قرار داشته است. عمدتاً مباحث صورت‌گرفته ناظر به ابعاد اخلاقی و اجتماعی توبه بوده و معنای توبه، وجوب توبه و وجوب قبول توبه از طرف خداوند، شرایط تحقق توبه، تمایز توبه حقیقی از غیرحقیقی و زمان پذیرش توبه از مسائل مختلفی است که در این زمینه مورد توجه قرار داشته است. اگرچه موضوع توبه در همه مکاتب الهی مورد توجه قرار گرفته؛ اما همسان بودن یا نبودن آن از نظر ابعاد فردی، اجتماعی و اخلاقی نیازمند تتبع و بررسی است. تتبع، بررسی و مقایسه بحث توبه در مکاتب مختلف علاوه بر نمایان کردن تفاوت‌ها و اختلاف‌ها می‌تواند به فهم عمیق‌تر این موضوع مهم انسانی کمک کند.

بر همین اساس تلاش می‌شود تا ابتدا با روش کیفی و با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر بررسی اسنادی، ضمن بیان دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره آموزه توبه در کتب مقدس این دو دین تصویری دقیق‌تر از آنچه این آموزه ناظر بر آن است ارائه شود. از این رو ابتدا با بازبینی معانی لغوی و اصطلاحی توبه، موضوع توبه در سنت اسلامی با تکیه بر قرآن و دیدگاه‌های علامه طباطبائی و استاد مرتضی مطهری مورد بررسی قرار گرفته و در سنت مسیحی با تکیه بر عهد جدید، ابعاد مختلف فردی، اخلاقی و اجتماعی توبه مورد بحث و بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد؛ همچنین به پیوند و ارتباط این آموزه با سایر آموزه‌های اساسی این ادیان همچون آموزه‌های رستگاری آدمی، استغفار، لطف الهی، ضرورت حفظ امید و نفی ناامیدی از بخشش خداوند و... پرداخته و سپس وجوه تشابه و تفارق آنها احصاء می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۱. نگرش‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی درباره توبه

در سنت اسلامی، فقها، متکلمان، علمای اخلاق، عرفا و فلاسفه به توبه توجه داشته و از دیدگاه خود به بررسی و تحلیل جایگاه آن پرداخته‌اند. در کتب دینی، به ویژه از سوی متکلمان، عموماً به بحث از چیستی توبه و چگونگی آن در نسبت با خداوند توجه شده است. اینکه توبه انسان به معنای بازگشت از گناه به خداست، شاید دردسترس‌ترین فهم از معنای توبه باشد؛ اما اینکه توبه خداوند که در آیاتی از قرآن کریم به آن اشاره شده است، به چه معناست و آیا با اسناد حقیقی توبه به خداوند نسبت داده می‌شود یا نه، ازجمله بحث‌هایی است که مورد توجه علمای دینی قرار گرفته است.

غالباً در مباحث کلامی- اسلامی تحلیل بحث از دیدگاه اخلاقی، اجتماعی و فاعلی است. در این تحلیل‌های کلامی، با برقراری ارتباط میان مسائل انسان‌شناسی با ارزش‌شناختی، در جست‌وجوی پاسخ به سؤالات مختلفی پرداخته می‌شود. در مقابل برخی نیز با ارائه تفسیری وجودشناسانه، این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا پذیرش توبه انسان، مسئله‌ای حقیقی است یا اعتباری؟ به این معنا که فرد گناهکار، به رغم آلوده شدن به گناه، این امکان و قابلیت را داراست تا حقیقتاً و وجوداً تغییر یافته و به سمت هستی متعالی گام بردارد و هستی انسان دچار دگرگونی شود. در اینجا علاوه بر یک تحول و دگرگونی وجودشناختی و تکوینی، یک امر تشریعی و ارزش‌شناختی نیز قابل شناسایی است. (نک: نظری و ملک‌زاده، ۱۳۹۷، صص ۲۱۳-۲۳۸) شاید بتوان رویکرد عرفا و توجه آنان به مباحث هستی‌شناسانه بحث توبه را ضلع دیگری از این مباحث برشمرد. (نک: میری، ۱۳۹۹، صص ۴۹۹-۵۱۶؛ شجاری، ۱۳۸۶، صص ۵۹-۷۵)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۲. توبه، مشترک لفظی و مشترک معنوی

در اهمیت بحث توبه در اسلام اشاره به این نکته کافی است که یکی از نام‌های خداوند در قرآن «توّاب» بوده و همچنین نام یکی از سوره‌های قرآن کریم بدین عنوان، نام‌گذاری شده است. در قرآن در ۸۷ آیه به توبه و مشتقات آن اشاره شده است. از این تعداد ۲۴ مورد به صورت‌های مختلف اسمی و ۶۴ بار به صورت‌های گوناگون فعلی و ثلاثی مجرد به کار رفته‌اند. (روحانی، ۱۳۷٦، ۳۸۹) توبه از ریشه «ت و ب» و به معنای رجوع و برگشتن است (ابن‌فارس، ۱٤۰٤، ۳۵۷/۱) و عموماً در لغت از آن مطلق برگشتن اراده شده است. میان توبه با واژگانی همچون رَجْع، صَرْف، نَوْب و أَوْب مشابهت‌های معنایی وجود دارد. معنای لغوی توبه، در اصطلاح شرعی آن نیز مبنا قرار گرفته و از آن ترک گناه و پشیمانی به دلیل ناپسندی و قبح آن و عزم بر عدم بازگشت به گناه و در حد امکان جبران آنچه فوت شده است، مراد می‌گردد. (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲، ٥٤؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۱۵/۲) امام علی علیه السلام نیز توبه را ندامت قلبی، استغفار با زبان، ترک با جوارح و نیت عدم عود دانسته است. (آمدی، ۱٤۱۰، ۱۱۷) بر اساس نظر متکلمان، توبه به معنای پیشمانی از انجام گناه و فعل ناپسند به دلیل زشتی آن است و بنده قصد ترک آن فعل را داشته و اراده قاطع برای انجام ندادن آن در آینده دارد. (نک: علایی رحمانی و غلامی نژاد، ۱۳۹۶، صص ۱۰۹–۱۲۸) (علامه حلی، ۱٤۱۹، ٤۱۷؛ سبحانی، ۱۳۷۵، ۱٦۷/۲)

توبه اگر با حرف «اِلی» متعدی شده باشد به معنای بازگشت بنده از گناه به اطاعت خداوند است و اگر با حرف «علی» متعدی شده باشد، به معنای بازگشت خداوند به سوی بنده بوده که دلالت بر توفیق انجام توبه برای بنده از سوی خداوند است یا دلالت بر قبول توبه بنده از سوی خداوند دارد. در این صورت از توبه معنای بازگشت به رحمت الهی نیز اراده شده است و بر همین اساس است که یکی از نام‌های خداوند «توّاب» است. (ابن‌منظور، ۱٤۰۸، ۲۲۳/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۳، ۳۲۵/۱۸؛ الرازی، ۱٤۱۳، ٤٦٦/۳) در اینجا باید توجه داشت که اسماء و صفات الهی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

دارای دلالت‌های خاص خود هستند و توّاب نیز مقتضی آن است که فرد یا افرادی مرتکب گناه شوند و توبه کنند و خداوند توبه آنان را بپذیرد. (ویسی و امینی، ۱۳۹۱، ۱۷)

در آیات قرآن در زمینه توبه، به مسائلی همچون وجوب توبه (نور، ۳۱؛ تحریم، ۸)؛ شرایط پذیرش توبه (نساء، ۱۷–۱۸، بقره، ۱۵۹–۱۶۰)، آثار توبه (فرقان، ۷۰؛ آل‌عمران، ۸۶–۸۹) و ویژگی توبه (تحریم، ۸) اشاره شده است.

۳. شرایط پذیرش توبه و نسبت آن با تربیت و هدایت انسان

از مهمترین مسائل مورد مناقشه در مورد توبه، این است که آیا توبه هر فردی فارغ از جایگاه، نوع گناهان، سن، زمان و... قابل قبول است یا اینکه توبه برخی افراد به هیچ عنوان پذیرفته نخواهد شد. به طور کلی بر اساس دیدگاه عموم علمای دینی و بر اساس آنچه در قرآن و روایات از آن می‌توان استنباط کرد این است که توبه مخصوص گناهان خاصی نیست، و شامل شخص و اشخاص معینی نمی‌شود، و زمان محدودی نیز ندارد، و سن و سال و عصر و زمان خاصی در آن مطرح نیست و اگر شرایط توبه رعایت شود، امید است که مقبول درگاه خداوند متعال قرار گیرد.

اما تنها استثنایی که در قبول توبه وجود دارد و در قرآن مجید به آن اشاره شده این است که اگر انسان هنگامی توبه کند که عذاب الهی فرارسیده باشد یا زمان مرگ او فرارسیده باشد و در آستانه برزخ باشد، توبه او پذیرفته نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۴۰/۴)، مانند توبه فرعون (نک: بنی‌اسدی، ۱۳۹۷، صص ۲۰۷–۲۲۰) که زمانی توبه کرد که عذاب الهی نازل شده و در میان امواج در حال غرق شدن بود؛ چنانکه در آیات ۹۰ و ۹۱ سوره یونس به آن اشاره شده است.

بنابراین با استناد به آیات مختلف قرآن (همون ۵۳ سوره زمر، ۸۲ سوره طه، ۳۱ سوره نور) می‌توان گفت: توبه شامل تمام گناهان می‌شود حتی شرک و بت‌پرستی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

و از آنجا که خلف وعده از خداوند حکیم قبیح و محال است، عقل به شکلی قطعی به لزوم پذیرش توبه حکم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۳۸/۴)

در اینجا توجه به این نکته حائز اهمیت است که بیان وعده پذیرش توبه از سوی خداوند متعال، دارای وجوه تربیتی و آموزشی برای هدایت انسان‌هاست؛ چراکه منجر به ایجاد امید در گناهکاران شده و راه بازگشت را برای آنان باز می‌گذارد. در حقیقت چنانکه در مشی و طریق انبیاء برای هدایت انسان‌ها شاهد هستیم، پرورش امید در انسان‌ها علاوه بر ترساندن آنها از جزای الهی، از عناصر مهم دعوت انبیاء الهی است و به این دلیل است که در قرآن و در اشاره به دعوت پیامبران، انذار و تبشیر (همچون آیه ۲ سوره هود) در کنار هم به کار رفته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۴۶/۴)

اما چنانکه خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره نساء متذکر شده است باید توبه از گناهانی باشد که از روی جهالت انجام گرفته باشد، نه از روی عناد و لجاجت: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللهِ لِلَّذِينَ يعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِک يتُوبُ اللهُ عَلَيهِمْ وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند سپس به زودی توبه می‌کنند، اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است».

اگرچه برخی مفسران دلالت قید «ثُمَّ يتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ» را به فاصله زمانی تفسیر کرده و معتقدند باید توبه به فاصله کمی بعد از گناه صورت گرفته باشد تا مورد پذیرش قرار گیرد (رشید رضا، ۱۳۷۳، ۳۰۳/۳)؛ اما بنا بر نظر برخی دیگر از مفسران قید «ثُمَّ يتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ» دلالت بر این دارد که از آنجا که توبه به معنای بازگشت بنده به خداوند است و توبه خداوند نیز پذیرش این بازگشت است، این شرائط زمانی تحقق می‌یابد که بنده دارای تکلیف و اختیار باشد؛ در حالی که با مشاهده مرگ، تکلیف از انسان ساقط شده و امکان توبه منتفی می‌شود، که در آیه بعد همین سوره (نساء، ۱۸) نیز به این قیود اشاره شده است و نه فاصله زمانی. (ثقفی تهرانی، ۱۳۵۸، ۳۱/۲) برخی از مفسران نیز ضرورت پذیرش توبه از طرف خداوند

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

متعال را بر اساس احسان و کرم الهی دانسته‌اند، چنانکه ذکر صفت رحیم بعد از توبه (همچون زمر، ۵۳، انعام، ۵۴ و بقره، ۱۶۰) را تأییدی برای آن برشمرده‌اند. (الرازی، ۱۴۱۳، ۵/۱۳)

به هر حال تعدادی از مفسران مضمون آیات فوق را بر توبه کامل حمل کرده و بر آنند که اگر افرادی حتی از روی عناد و لجاج مرتکب گناهانی شوند، سپس دست از لجاجت و غرور بردارند، توبه آنان پذیرفته می‌شود. در واقع بحث عناد و لجاجت با یکی از شرایط پذیرش توبه که همانا اخلاص در توبه است، در تقابل قرار دارد. چنانکه در تفسیر آیه ۹۰ از سوره آل‌عمران، مفسران علت عدم قبولی توبه را با ارجاع به قرینه اشاره‌شده در آیه، یعنی «و أُولـئِکَ هُمُ الضّالّون»، عدم وقوع توبه با اخلاص دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۲۴۳/۴؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ۳۴۰/۲): «إِنَّ الَّذِينَ كفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِک هُمُ الضَّالُّونَ: کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند سپس بر کفر [خود] افزودند هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد و آنان خود گمراهانند».

استاد مطهری نیز با تعریفی که از توبه ارائه می‌دهد بر آن است که همچنان که در عالم آخرت توبه معنی ندارد، مهلت توبه کردن انسان در دنیا تا زمانی است که انسان گرفتار مرگ نشده است و هنگامی که اسیر مرگ می‌شود و هیچ امیدی به نجات ندارد، توبه مورد قبول واقع نمی‌شود. وی چنین توبه‌ای را «فقط یک عمل ظاهری» معرفی می‌کند نه توبه واقعی و حاکی از «انقلاب مقدس درونی» (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۵/۲۳). استاد مطهری بر همین اساس توبه فرعون را نیز مقبول نمی‌داند؛ چراکه آدمی که در قعر دریا آب تمام اطرافش را گرفته و به هر طرف که نگاه می‌کند آب می‌بیند و در این حال اظهار توبه می‌کند، وجدانش منقلب نشده است، فطرتش زنده نشده است، خودش علیه خودش قیام نکرده است، بلکه حالا که خودش را مضطر و بیچاره می‌بیند، از روی اضطرار اظهار تسلیم می‌کند؛ پس علت اینکه در لحظات آخر، در حال معاینه آن دنیا توبه انسان مقبول نیست، این است که توبه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

نیست نه اینکه توبه هست و مقبول نیست، اصلًا توبه نیست. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۶/۲۳)

از سوی دیگر وی معتقد است انسان میوه درخت طبیعت و دنیاست و تا زمانی که در دنیاست، امکان تغییر و تحول دارد؛ چراکه تغییرها و انقلاب‌ها و حرکت‌ها متعلق به این دنیاست و آخرین حد فعلیت انسان در دنیا پس از مرگش پایان می‌یابد. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۷/۲۳–۵۵۸)

از آنجا که توبه همان پشیمانی و انقطاع از گناه است، و این مقصود جز با از بین رفتن ریشه ارتکاب گناهان همچون صفات ناپسند نفسانی، جهل و غفلت حاصل نمی‌شود، حتی به رغم اینکه اگر انسان گناهی هم نکرده باشد، هیچ‌گاه از زمینه‌های لغزش و ارتکاب گناه مصون نخواهد بود، وجوب توبه نه تنها عمومی بلکه دائمی است. در این معنا توبه از جمله شرایط رشد و تقرّب بیشتر آدمی به خداوند است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۱۸/۷–۲۰)

۴. شرایط قبول توبه و کمال آن از دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری

در دین اسلام، آن‌گونه که از آیات قرآن و تفسیر مفسران و روایات مختلف می‌توان دریافت، برای توبه کردن عبارت خاصی مطرح نشده است. (طبرسی، ۱۴۰۶، ۱۷۵/۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ۵۶۴/۱) بر این اساس در سنت اسلامی عموماً بر شرایط تحقق توبه تأکید شده است. فیض کاشانی در کتاب «المحجۀ البیضاء» بر این اعتقاد است که توبه دارای سه رکن اساسی است: ۱. علم، ۲. حال، ۳. فعل. وی بر این باور است که این سه با یکدیگر رابطه علی دارند. منظور از علم، شناخت زیان‌های گناه و ضررهای آن است؛ ازجمله اینکه باعث حجاب میان خداوند و انسان‌ها می‌شود و این دوری و فاصله میان انسان و خدا به دلیل ارتکاب گناه باعث احساس ندامت و پیشمانی در بنده شده (حال) و تصمیم بر عدم انجام گناه می‌گیرد؛ چنانکه درصدد

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

جبران خطای گذشته برآمده، می‌کوشد در زمان حال و آینده آن گناه را ترک کرده تا محبت محبوب را از دست ندهد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷، ۵/۷)

برخی از متکلمان بزرگ شیعه و حتی متکلمان معتزله و اشاعره همچون فاضل مقداد، ابن میثم بحرانی و قاضی عضدالدین ایجی اشعری با تأکید بر عزم بر ترک گناه در آینده، این مسأله را از ارکان توبه برشمرده‌اند (الفاضل مقداد، ۱۴۰۵، ۴۳۲؛ البحرانی، ۱۴۰۶، ۱۶۸؛ الایجی، ۱۳۲۵، ۳۱۴/۸) و برخی مانند شیخ مفید و قاضی عبدالجبار معتزلی این مسئله را از شروط ملازم توبه برشمرده‌اند. (المفید، ۱۴۱۳، ۸۵؛ عبدالجبار بن احمد، ۱۴۲۲، ۵۳۸)

برخی از مفسران برای پذیرش توبه از برخی گناهان معتقدند که باید شروط خاصی رعایت شود؛ مثلاً توبه از گناهِ کتمان آیات الهی، نیازمند اظهار حقیقت است؛ (طبرسی، ۱۴۰۶، ۴۴۷/۱) چنانکه در قرآن آمده است.

استاد مطهری نیز با اشاره به سخنان امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، شش شرط را برای توبه و استغفار برمی‌شمرد که دو مورد رکن توبه است، دو مورد شرط قبول توبه و دو مورد دیگر شرط کمال توبه است. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۹/۲۳) ندامت و پشیمانی رکن اول و تصمیم به عدم بازگشت رکن دوم (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۹/۲۳–۵۶۳)؛ شرط اول توبه بازگرداندن حقوق مردم و شرط دوم ادای حقوق الهی است (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۶۴/۲۳–۵۶۵). شرط اول کمال توبه این است که باید توبه‌کننده بکوشد آنچه از حرام در بدنش روییده است اعم از پوست، گوشت، خون و استخوان را آب کرده و آنچه از حلال است در بدنش رشد کند. شرط دوم کمال توبه این است که بدنی که «لذت معصیت را چشیده است»، رنج طاعت را نیز بچشد. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۶۷/۲۳)

علامه طباطبایی نیز ذیل تفسیر آیه ۱۷ سوره نساء بر دو وجه توبه تأکید می‌کند: ۱. رحمت خداوند و اعطای توفیق به بنده در بازگشت بنده به سوی خداوند و ۲. عنایت به بنده و بخشش گناهان او. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲۳۷/۴) وی توبه بنده را

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

احاطه شده میان دو توبه خداوند قلمداد می‌کند و بر آن است که در هر توبه انسان، دو توبه برای خداوند وجود دارد.

این دو رجوع از ناحیه خداوند سبحان، دو توبه‌ای هستند که توبه و رجوع انسان را احاطه کرده‌اند [و آنجا که] فرموده: «ثُمَّ تَابَ عَلَيهِمْ لِيَتُوبُوا» (توبه، ۱۱۸) همان توبه اول است و فرموده «فَأُولَئِک أَتُوبُ عَلَيهِمْ» (بقره، ۱۶۰) و این توبه دوم است و بین این دو توبه خداوند، توبه عبد واقع می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲۳۸/۴)

علامه این بیان از توبه را مختص قرآن دانسته و بر آن است که در ادیان دیگر مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر علامه در ادیان دیگر بیشتر بر توبه به معنای بازگشت از کفر و شرک به ایمان توجه شده است در حالی که حقیقت توبه در اسلام و قرآن بیان شده است. در واقع از نظر علامه در توبه آدمی سه توبه نهفته است: ۱. توبه خدا به بنده و توفیق بازگشت، ۲. توبه بنده به خدا به معنای دور شدن از کفر و شرک و گناهان و ۳. توبه خداوند با رحمت و مغفرت به بنده. (رقوی، ۱۳۹۸، ۱۲۲–۱۲۳) در نتیجه انسان که در پرتگاه شقاوت و دوری از خدا قرار دارد، برای رسیدن به سعادت و تقرب به خداوند، ضرورت دارد تا از کفر و شرک و فروعات آنها که گناهان است توبه کند. با این توبه است که انسان وارد دار ایمان می‌شود.

از سوی دیگر مطابق دیدگاه فلسفی علامه، انسان موجودی فی حد ذاته فقیر است و در نیل به سعادت و کمال نیز نیازمند است و بدون عنایت و لطف خداوند نمی‌تواند به این مهم نائل گردد. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲۴۵/۴) در نتیجه از نظر علامه، توبه صرفاً به معنای رایج آن یعنی بازگشت انسان از گناه و نافرمانی از دستورات خداوند نیست؛ بلکه معنای عام‌تری دارد و همان رجوع خداوند با رحمت و مغفرت به سوی بندگان است که در واقع فضل الهی است:

توبه خداوند به سوی بندگان همان نشر رحمت خداوند بر بنده برای بخشش گناهان و برطرف نمودن تاریکی نافرمانی از قلب او اعم از شرک و غیر آن است و

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

توبه بندگان به سوی خدا همان بازگشت بندگان به سوی خدا برای آمرزش گناهان و ازاله معاصی اعم از شرک و غیر آن است. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲۴۶/۴)

علامه تأکید می‌کند که این معنای قرآنی از توبه، معنای ذهنی و انتزاعی نیست؛ بلکه حقیقی بوده و در ارتباط با سعادت و شقاوت انسان است. انسان در اجتماع در معرض انواع مسائل به ویژه تعلیم و تربیت قرار دارد، و برای آنکه به تقوا و ایمان آراسته گردد نیازمند این است که اسباب خروج او فراهم شود و این همان توبه نخست خداوند است که درهای رحمت را بر روی انسان گشوده است و عزم بر تغییر حال را در انسان ایجاد می‌کند. در مرتبه بعد بنده است که باید از گناهان و معاصی دوری کند و این همان توبه بنده است و از آنجا که قلب آدمی نمی‌تواند همزمان محل صلاح و فساد باشد، خداوند با زائل کردن فساد، نور صلاح را در قلب او مستولی می‌کند و این همان توبه الهی و مغفرت بنده از جانب خداوند است. (طباطبایی، ۱۴۰۲، ۲۴۸/۴)

شهید مطهری نیز به تحلیل توبه انسان‌شناسانه پرداخته و آن را یکی از خصوصیات ممیز انسان نسبت به حیوانات و نباتات برمی‌شمرد که از مشخصات و کمالات و استعدادهای عالی آدمی است؛ بر این اساس شهید مطهری لفظ «أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّی وَ أَتوبُ اِلَیه» را مبین حقیقتی می‌داند که بر حالتی حاکی از انقلابی روحی در انسان دلالت می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۳۶/۲۳) مطهری با مرکب دانستن هستی انسان، توبه را یک انقلاب درونی و قیام یک بخش از وجود انسان علیه بخشی دیگر تعریف می‌کند: «پس توبه عبارت است از عکس‌العمل نشان دادن مقامات عالی و مقدس روح انسان علیه مقامات دانی و پست و حیوانی انسان. توبه عبارت است از قیام و انقلاب مقدس قوای فرشته‌صفت انسان علیه قوای بهیمی‌صفت و شیطان‌صفت انسان. این ماهیت توبه است». (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۴۱/۲۳)

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

استاد مطهری بر ارتباط میان تطهیر و اصلاح در قرآن تأکید می‌کند و توبه را یک قیام اصلاحی می‌داند. وی این دو تعبیر را که در آیات قرآن پس از توبه به آنها اشاره شده است مرتبط با معنای توبه به معنای انقلاب درونی می‌داند:

قرآن دو تعبیر دارد که این دو تعبیر را بعد از توبه ذکر کرده است؛ یکی اینکه توبه را با تطهیر توأم می‌کند، مثلًا می‌گوید «إِنَّ اللهَ یحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ» (بقره، ۲۲۲) تعبیر دیگر قرآن این است که توبه را در موارد دیگری مقرون به کلمه «اصلاح» می‌کند: «فَمَنْ تابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللهَ یتُوبُ عَلَیهِ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ» (مائده، ۳۹) یکی از مشخصات و خصوصیات انسان این است که گاهی نیمی از وجود او علیه نیم دیگر وجودش قیام و انقلاب می‌کند. انقلابی که عقل در وجود انسان بکند، کودتایی که فطرت خداشناسی و خداپرستی انسان در وجود او بکند، یک انقلاب مقدس است. انقلاب مقدس توأم با اصلاح است. (مطهری، ۱۳۸٤، ۵٦۸/۲۳-۵٦۹)

۵. آموزه توبه در سنت مسیحی

بررسی مفهوم «توبه» در الهیات مسیحی دست‌کم با دو دشواری رو به رو است. اول آنکه در بررسی هر آموزه‌ای در مسیحیت معضل مواجهه با مذاهب متعدد و اختلافات مبنایی و بنیادی میان آنها، حتی در آموزه‌های اصلی معضلی جدی است. دومین دشواری، پیچیدگی خوانش و تفسیر و کاربست کتاب مقدس به عنوان مرجع، به دلیل ماهیت خاص آن است. از این رو در این نوشتار و در ارتباط با آموزه توبه به جایگاه آن در الهیات مسیحی و تعالیم کلیسایی کاتولیک رومی پرداخته می‌شود و به اختلافات در گرایش‌های متفاوت الهیاتی مسیحی در مورد این آموزه ورودی نخواهد داشت.

برای ورود به بحث از آموزه توبه در گام نخست با شبکه‌ای از مفاهیم و آموزه‌ها در الهیات مسیحی روبه‌رو می‌شویم که بدون تردید یافتن معنای هرکدام در گرو

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

یافتن جایگاه آن مفهوم و یا آموزه در این شبکه است. مروری بر کتاب مقدس نشان می‌دهد که مفهوم توبه در آیات متفاوتی به صراحت و یا به صورت مضمر طرح شده است. از زبان مسیح و همچنین یحیی تعمیددهنده آمده است که هر دو موعظه خود را چنین آغاز کرده‌اند:

توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. (متی ۳، ۲ و ٤، ۱۷)

توبه در آغاز اناجیل در کتاب مقدس چنان ترسیم شده است که بدون توبه هیچ حیات تازه، نجات و هیچ راهی به ملکوت امکان‌پذیر نیست (ویر، ۲۰۰۱، ٤۳)

چنانکه ذکر شد آموزه توبه را باید در شبکه‌ای از آموزه‌ها و مفاهیم در پیکره الهیات مسیحی دریافت. علاوه بر این، همواره برای نزدیک شدن به معنای هر مفهومی ریشه‌شناسی و تبارشناسی آن مفهوم در مجموعه معنایی کاربردی آن ضروری است. از این رو در ادامه پس از مروری گذرا به مفهوم توبه در مسیحیت، به برخی از مفاهیم و آموزه‌های مرتبط همچون نجات‌شناسی، مفهوم گناه به ویژه گناه نخستین،[۱] فدا یا فدیه، تبرئه از گناه، عادل‌شمردگی،[۲] فیض،[۳] آمرزش،[٤] آشتی، تعمید،[٥] اعتراف،[٦] عشای ربانی[۷] پرداخته می‌شود.

برای بررسی جایگاه توبه در الهیات مسیحی می‌توان به کمک آموزه‌های متفاوتی به این بحث نزدیک شد که از مهمترین آنها، آموزه نجات و نجات‌شناسی در مسیحیت است.

1. Original sin
2. Justification
3. Grace
4. Absolution
5. Baptism
6. Confession
7. Eucharistic

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۵-۱. رستاخیز مسیح و پیوند تنگاتنگ زندگی، مرگ و نجات

اصطلاح سوتریولوژی[1] از فعل یونانی سوزئین[2] به معنای نجات دادن و اسم سوتر[3] برگرفته شده است که مطابق برخی تقسیم‌بندی‌ها شامل: ۱- عمل مسیح؛ یعنی کفاره او (مبحث فداء) ۲- آموزه تبرئه از گناه[4] و تطهیر،[5] ۳- معانی لطف و فیض ٤- و سرنوشت نهایی انسان می‌شود. (هاروی، ۱۳۹۱، ۲٦۱) نجات، مفهومی مختص به مسیحیت نیست و اتفاقاً می‌توان گفت به یک معنا -اگرچه با رویکردهای متفاوت- وجه مشترک ادیان متفاوت ابراهیمی و غیر آن است.

رویکرد مسیحی در مسئله نجات دو ویژگی دارد: نخست، اینکه نجات بر پایه زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح علیه السلام بنا شده است و اینکه شکل خاص نجات در سنتی مسیحی را خود مسیح بنیان نهاده است؛ بنابراین، نجات با زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی مسیح در پیوندی تنگاتنگ است. (مک‌گراث، ۱۳۹۳، ٦۱۹) در نگرش کاتولیک رومی نجات، خودسازی انسان از طریق شرکت در زندگی الهی و خداگونگی است؛ بنابراین، آئین‌های مقدس (که توبه و اعتراف ذیل آن است) و کلیسا نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. اما در مذهب پروتستان از آنجا که سرنوشت واقعی انسان خداگونگی نیست، بلکه بخشایش گناهان است، اهمیت آئین‌های مقدس و کلیسا در ارتباط با کلام خداوند است که هم توبه را طلب می‌کند هم بخشایش گناه را وعده می‌دهد، هم انسان را به آزادی (مرتبط با مسائل اخلاقی) می‌رساند. (هاروی، ۱۳۹۰، ۲۳٦)؛ باور و آموزه‌ای که بدون تردید یکی از بنیادهای تعالیم مسیحی است و مناقشات فراوانی درباره آن صورت گرفته است؛ یعنی گناه نخستین یا به تعابیر دیگر گناه ذاتی، گناه جبلی، گناه اولیه و گناه اصلی.

1. Soteriology
2. Sozein
3. Soter
4. Justification
5. Sanctification

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

نافرمانی موجب صدور فرمان هبوط انسان از باغ عدن به زمین شد و این باعث شد تمام انسان‌ها در گناه تلف شوند. هبوط انسان یک هبوط در مرتبه وجود تلقی می‌شود. گناه نخستین گناهی است که بشر را آلوده کرده و میراثی است که آدم برای بشر به جا گذاشته است.

به اجمال می‌توان گفت از نظر آگوستین فیض حضور واقعی و رهایی‌بخش خدا در مسیح در درون ما است. فیض در نگاه آگوستین با مفهوم موهبت[1] ارتباط دارد و نجات موهبتی است از سوی خدا، نه پاداشی از جانب او. این مباحث بعدها در مباحثات قرون وسطایی و سپس نهضت اصلاح دینی گسترش یافت و مفهوم نجات از طریق فیض آگوستین در مقابل «آمرزیدگی از طریف ایمان» لوتری به بحث گذاشته شد.

بدین ترتیب نجات مسیحی، رهایی از قدرت گناه است؛ حالت و وضعیتی است که در آن انسان از گناه و مرگ آزاد می‌شود؛ «تحقق برتری خدای نامتناهی بر تباهی‌های پدیدآمده از گناه، بیماری و مرگ» (مفتاح و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۴۷) نجات به راز رهایی انسان از شر گناه و بازگرداندن او به حالت فیض به وسیله خدا اشاره دارد که مبتنی بر تصلیب و مرگ مسیح است. پولس در رساله به رومیان مسیح را یک قربانی می‌دانست «خداوند او [مسیح] را از قبل تعیین کرد تا کفاره باشد به واسطه ایمان به وسیله خون او...» (رومیان، ۳، ۲۵) درواقع مسیح آمده است که انسان را از گناه ذاتی نجات دهد؛ به این معنا که به اعتقاد مسیحیت، مسیح خود را فدا کرد تا بار گناهی را که نسل بشر باید به دوش می‌کشید، به نیابت از بشر به دوش بکشد.

۵-۲. انعقاد عهد جدید میان خدا و بشر با مرگ عیسی مسیح

انسان‌ها که به علت گناه نخستین دور از خداوند متولد می‌شوند و به علت رنج و مرگ عیسی مسیح می‌توانند دوباره با او آشتی و مصالحه کنند. ابتلای به گناه،

1. gift

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

روی‌گرداندن از خداوند است و روی‌گرداندن از خداوند، اهانتی عمیق به ساحت قدسی خداوند است و کیفر ابدی دِینی است که انسان باید به دلیل گناهش به خداوند بپردازد. (پترسون و دیگران، ۱۳۸۷، ٤٦٩) هیچ یک از انسان‌ها نمی‌توانند این دین را ادا کنند؛ زیرا هیچ یک از افعال آدمیان نمی‌تواند زیانی را که گناه آدم متوجه کل بشریت کرده جبران نماید. انسان موجودی محدود است و خداوند موجودی نامتناهی است. هرگونه تعدی و تعرض به ساحت الوهی، ابعادی نامتناهی می‌یابد؛ بنابراین، تنها راه ادای این دین این بود که خداوند، خود از طریق رنج و مرگ مسیح این دین را ادا کند. (پترسون و دیگران، ۱۳۸۷، ٤٧٠)

مسیحیان معنا و مفهوم مرگ عیسی را از سه راه تفسیر کرده‌اند. اول آزادی از گناه و مرگ، و رستاخیزی که نشان از پیروزی او بر گناه و مرگ دارد و صلیب که نشانه این پیروزی است. دوم کفاره شدن برای گناهان، عیسی کفاره گناهی شد که رابطه انسان را با خدا قطع کرده بود. از نظر مسیحیان مرگ عیسی عهد جدیدی را میان خدا و بشر منعقد کرد، و نوع بشر از طریق عیسی با خداوند مصالحه کردند. سوم محبت تحول‌آفرین که عبارت است از نیروی محبتی که می‌تواند در دل‌های مردم اثر کند و آنها را تغییر دهد و زندگی شخص را متحول کند. عمل محبت‌آمیز عیسی می‌تواند انسان‌ها را دگرگون کند. (میشل، ۱۳۸۱، ۸۷–۹۰)

۵-۳. ماهیت اختیاری بودن فعل ایمان در سنت مسیحی

مسیح با اطاعت از خواست خدا بر روی صلیب سبب بخشودگی گناهان شد. او با مرگ کفاره‌ای خویش این امکان را برای گناهکاران فراهم ساخت که از گناهان خویش پاک شوند و با معافیت از مجازات گناهانشان نزد خداوند عادل خوانده شوند. (مک‌گراث، ۱۳۸۲، ۲۱۸)، این فیض الهی است که انسان‌ها را نجات می‌دهد و حتی در بیان آگوستین که او را پدر الهیات مسیحی کلیسای غرب می‌دانند، ایمان بدون

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

اصل فیض خداوند ناممکن است. ایمان که در زبان لاتینی با واژه‌های فیدس[1] و فید[2] و فیدر[3] و اسم عبرانی امونا[4] و اسم یونانی پیستیس[5] آمده است در خود معنای اطمینان، توکل و اعتماد دارد؛ (علمی و نظرپور ۱۳۹۳، ۷۵) اما این ایمان هم در گرو فیض است. بحث از اینکه ایمان یک‌سره ناشی از فیض است و یا اختیار و اراده در آن به نحوی از انحاء نقش دارد در تاریخ الهیات مسیحی مناقشات زیادی در برداشته است. اما در مجموع در تعالیم کلیسای کاتولیک چنین جمعی میان فیض و اراده و اختیار پذیرفته شده است. ایمان برای دستیابی به نجات ضروری است و کسی رستگار است که تا «آخر در ایمان ایستادگی کند». ایمان جز آنکه به معنای اعتقاد راسخ به مسیح و اطاعت از او و یک وقف قلبی و پیوند به مسیح است، شامل توبه است؛ به عبارت دیگر ایمانی که همراه با توبه واقعی باشد، ایمانی نجات‌بخش است.

۵-۴. گناه نخستین در مسیحیت؛ عبور از مرزهای آفرینش الهی

اکنون با انسانی روبه‌رو هستیم که مسیح او را از گناه نخستین نجات داده است و به فیض الهی و اراده برانگیخته‌شده خود ایمان آورده است؛ اما آیا گناه در مسیحیت به گناه نخستین منحصر است؟ اگر چه در بسیاری تفاسیر و تعابیر هر گناهی ریشه‌ای در گناه نخستین دارد؛ اما آیا گناه در مسیحیت به معنای دیگری نیز به کار می‌رود؟ در نگرش کاتولیک رومی ایمان که تمایل بنیادین نفس است و همواره باید تجدید شود، دو جنبه دارد: ۱- برخورداری از بخشایش گناهان از عمق جان به واسطه مرگ عیسی علیه السلام و ۲- شروع یک زندگی جدید و تولد تازه به واسطه موهبتی از جانب روح القدس (هاروی، ۱۳۹۰، ۲۲۵) «اما این حیات تازه فرزندان خدا ممکن

1. fides
2. fide
3. fidere
4. emunah
5. pistis

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

است به واسطه گناه ضعیف شود و یا حتی از دست برود» (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤٠٧)

گناه در مسیحیت به گناه اولیه و گناه فردی- واقعی[1] تقسیم می‌شود. این گناه نه تنها کردار، بلکه افکار را در برمی‌گیرد و به معنای آن است که فرد به نحو آگاهانه خلاف اراده خداوند عمل کند. گناه واقعی اگرچه از وضعیت گناه اولیه نشأت می‌گیرد، اما آن را باید از گناه اولیه متمایز دانست. تقصیر را دقیقاً در جایی که توبه صورت نگرفته باشد به گناه واقعی نسبت می‌دهند. (هاروی، ۱۳۹۰، ۲۳۱) نکته بعدی که در الهیات مسیحی واجد اهمیت است تکثیر و تکرار گناه است، در تعالیم کاتولیکی آمده است که گناه سبب میل به گناه است و با تکرار همان اعمال، موجب عادت به گناه می‌شود. این گناه به امیال نادرستی می‌انجامد که وجدان را تیره و تار می‌کند و داوری عینی درباره نیکی و بدی را فاسد و تباه می‌کند؛ بنابراین، گناه به تکثیر و تقویت خویش متمایل است، اما نمی‌تواند حس اخلاقی را از ریشه نابود کند. (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ۵۱۱)

۵-۵. توبه یعنی حرکت به سوی امید و مهرورزی

پس از مروری بر چند آموزه اساسی در الهیات مسیحی که برای فهم معنا و جایگاه توبه در الهیات مسیحی ضرورت دارد، اکنون می‌توان به معنای توبه (با تمرکز بر تعالیم کلیسای کاتولیک رومی) پرداخت. گناه پیامد دوگانه‌ای دارد. گناه کبیره ما را در رسیدن به حیات جاوید ناتوان می‌کند که محرومیت از آن «مجازات ابدی» گناه است. از طرف دیگر هر گناهی، حتی گناهان صغیره انسان را به نوعی دلبستگی ناسالم با مخلوقات می‌کشاند که برای نجات نهایی باید پاک شود. این پاک شدن، انسان را از «مجازات موقت» رها می‌کند. این دو مجازات ماهیت خود گناه است و

1. actual sins

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

توبه‌ای که از محبت شدید ناشی شود می‌تواند موجب پاکی کامل گناهکار شود، به نحوی که هیچ مجازاتی باقی نماند. (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤٢١)

براساس مذهب کاتولیک رومی کل زندگی مؤمن باید ترقی از «لطف–فیض» به «لطف–فیض» باشد، یعنی ایمانی که منجر به امید و مهرورزی می‌شود. (هاروی، ۱۳۹۰، ۲۲۵) اگرچه این ایمان نجات‌بخش به واسطه فیض به فرد عطا می‌شود؛ آیین‌های مقدس ذاتاً مجاری و ابزارهای لطف–فیض طهارت‌بخش به شمار می‌روند. (هاروی، ۱۳۹۰، ۲۲۳) کاتولیک‌ها هفت آئین را به عنوان آئین‌های مقدس به رسمیت می‌شناسند: تعمید، تأیید، توبه، عشای ربانی، تدهین نهایی، درجات مقدس و ازدواج. از این میان سه آئین زیر با توبه در ارتباط هستند:

۵–۶. تعمید؛ آزادی از قدرت تاریکی و بهره‌مند شدن از برکات زندگی

تعمید نشان از توبه شخص گرونده به مسیحیت و ایمان او به حضرت عیسی است که با دریافت روح القدس همزمان است. این آئین به صورت شکلی با فرورفتن در آب یا پاشیدن آب صورت می‌گیرد و شخص به این ترتیب در کلیسای مسیحی پذیرفته می‌شود. کودکان تازه متولدشده نیز با تعمید از آلودگی گناه موروثی یا نخستین پاک می‌شوند؛ (بحث غسل تعمید برای کودکان تازه متولدشده از مسائل مناقشه‌برانگیز میان کاتولیک‌ها و دیگر مذاهب است) از قدرت تاریکی آزاد شده و به قلمرو آزادی فرزندان خدا که همه انسان‌ها به آن فراخوانده شده‌اند وارد می‌شوند؛ چنانکه در عهد جدید آمده: «و پدر را شکرگزارید که ما را لایق بهره میراث مقدسان در نور گردانیده است، و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت که در وی فدیه خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته‌ایم» (نامه پولس به کولسیان، ۱۲/۱– ١٤) در آئین تعمید، خداوند همه برکات زندگی و مرگ مسیح را به مؤمنان عطا می‌کند. با تعمید روح مسیح بر مؤمن وارد می‌شود. این یکی شدن با مسیح به تغییر ماهیت اخلاقی و اجتماعی زندگی فرد می‌انجامد و در این

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

زندگی فرد باید دیگر گناه نکند. انسان باید عظمت عطیه خدا را که در آیین‌های تشرف به مسیحیت به او عطا شده است، پاس بدارد تا به مرتبه کسانی برسد که مسیح را فراگرفته‌اند و گناه از او سرنزند؛ اما در عین حال در کتاب یوحنا، باب اول، آیه هشت آمده است که «اگر گوییم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست» و خود خداوند در متی و لوقا به مسیحیان گفته است دعا کنیم خداوند گناهان ما را ببخشد.

یکی از باورهای مسیحی درباره گناه این است که گناه انسان را به بردگی گرفته است؛ اما با اتحاد ما با مسیح ما می‌توانیم دیگر برده گناه نباشیم. با تعمید فردی که مسیحی دانسته می‌شود مانند مسیح می‌میرد و دوباره با او زنده می‌شود. تعمید برای مسیحیان نشان از مرگ و تطهیر و تولد تازه و تجدید حیات دارد.

با این حال، حیات تازه‌ای که در ورود به مسیحیت [پس از تعمید] به دست می‌آید، نقض و ضعف سرشت انسان را از بین نمی‌برد و تمایل به گناه که سنت آن را شهوت می‌نامد، پاک نمی‌کند. شهواتی که در افراد تعمیدیافته باقی می‌ماند تا اینکه آنان با کمک فیض مسیح در تلاش برای رسیدن به حیات مسیحی موفق شوند. این تلاشی است برای بازگشت به حیات مقدس و ابدی که خدا همیشه ما را به سوی آن دعوت می‌کند. (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤٠٩)

تعمید یک بار در زندگی فرد انجام می‌شود؛ برخلاف توبه که می‌تواند بارها به اجرا آید. تعمید علاوه بر بخشایش گناه نخستین، موجب آمرزش همه گناهانی که فرد پیش از تعمید مرتکب شده نیز می‌شود. اگر فرد پس از تعمید دیگر مرتکب گناه نشود، به عنوان مؤمنی که بر گناه و نتیجه آن یعنی مرگ پیروز شده است و به نجات خواهد رسید و این وضعیت برای او با آئین مقدس عشای ربانی تقویت می‌شود.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۵-۷. عشای ربانی، علاج رهایی انسان از عیوب روزانه و حافظ ما از گناهان کبیره

عشای ربانی در سنت کاتولیک به عنوان آئین قربانی انجام می‌شود. عشای ربانی چهار هدف دارد: تجلیل خدا، کفاره گناه، اظهار تأسف از انجام خطا و در نهایت درخواست نیازهای مادی یا معنوی. عشای ربانی علاج رهایی ما از عیوب روزانه و حافظ ما از گناهان کبیره و مهلک است. پس از تعمید نیز طنین دعوت مسیح به بازگشت در زندگی مسیحیان ادامه دارد. این بازگشت دوم وظیفه همیشگی کل کلیسا است که گناهکاران را در آغوش می‌گیرد و در آن واحد مقدس و همیشه نیازمند تطهیر است و دائماً به دنبال مسیر توبه و احیا می‌آید. (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤٠٩) آئین توبه برای آنان که پس از تعمید گرفتار گناه شده‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است. توبه هم‌نوایی و همکاری قلب، اعتراف زبان و جبران عمل است که همه آنچه توسط گناه از بین رفته را باز می‌گرداند، «حرکتی است از قلبی نادم که فیض آن را جلب می‌کند و به حرکت در می‌آورد تا به محبت مشفقانه خدا که نخست ما را دوست داشت پاسخ دهد.» (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤٠٩) حتی مرتکبین گناهان کبیره که فیض الهی و موهبت تبرئه و عادل‌شمردگی را از دست داده‌اند می‌توانند از طریق آئین توبه، فیض ازدست‌رفته را بار دیگر شامل حال خود کنند. آنکه تعمید یافته است فرزندخوانده خدا شده است و اگر مرتکب گناه شود رابطه خود را با خدا کدر کرده است، اعتراف به گناه و دست برداشتن از آن وضعیت را ترمیم می‌کند و باعث آمرزش گناهان می‌شود. «اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد.» (رساله اول پولس به یوحنا، ۱، ۹) اما این آمرزش شامل حال توبه‌کارانی می‌شود که از گناه خود نادم باشند، صادقانه به آن اعتراف کنند و اقدام به جبران کنند. آمبروسیوس

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

قدیس می‌گوید کلیسا هم آب دارد هم اشک، آب تعمید و اشک ندامت. (کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ٤١٠)

۵-۸. گناه، زمینه‌ساز گسسته شدن پیوند میان انسان و کلیسا

گناه قبل از هر چیز تخطی از دستور خدا و قطع پیوند با اوست. در عین حال به پیوند با کلیسا صدمه وارد می‌کند. به همین دلیل توبه هم آمرزش خدا و هم مصالحه با کلیسا را ایجاب می‌کند که به نحو عبادی با آیین فیض‌بخش توبه ومصالحه بیان می‌شود و تحقق می‌یابد. (همان، ٤١٢) آیین توبه امکان تازه‌ای برای گناهکاران پس از تعمید فراهم می‌آورد تا بازگردند و فیض عادل‌شمردگی شاملشان شود. آباء کلیسا این آیین را دومین تخته نجات بعد از غرق شدگی در از دست دادن فیض معرفی کرده‌اند. (همان، ٤١٤)

مراسم توبه و اعتراف در کلیسا به دو صورت فردی و جمعی برگزار می‌شود. در آیین جمعی درخواست جمعی عفو، دعای مخصوص و شکرگزاری مشترک اجرا می‌شود.

۶. مقایسه تطبیقی آموزه توبه در سنت اسلامی و سنت مسیحی

آموزه‌ای همانند توبه در ادیان مختلف مثل اسلام و مسیحیت را باید در نسبت با دیگر مفاهیم معرفتی و اعتقادی مورد سنجش و ارزیابی قرار داد؛ در این صورت است که در عین پی بردن به برخی از ویژگی‌های مشترک، به اختلاف رویکردهای تفسیری در برداشت از این مفاهیم می‌توان توجه نمود. با چنین رویکردی باید به تفاوت جایگاه ایمان در سنت فکری- معرفتی اسلام و مسیحیت توجه نمود. در سنت فکری- معرفتی مسیحیت، ایمان در ذات و بنیاد خود، نوعی باور و آگاهی است که متفاوت از علم است. تضاد میان معرفت آگاهی با ایمان از گناه نخستین بشر سرچشمه گرفته است. با چنین تفکیکی در سنت مسیحیت بیشتر بر باور قلبی مؤمن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

تأکید شده است؛ اما در سنت اسلامی چنین تفکیکی میان ایمان و علم صورت نگرفته و باورهای ایمانی مبتنی بر علم و حقایق اثبات‌پذیر معرفتی است.

توجه به تفسیرهای انسان‌شناسانه برای فهم عمیق‌تر تفاوت آموزه توبه در سنت اسلامی و مسیحی نیز ضروری است. در سنت مسیحی انسان با گناه ذاتی مواجه است اما در سنت اسلامی انسان با فطرت الهی آفریده شده است.

با چنین نگاهی در این بخش تلاش می‌کنیم تا نگاهی تطبیقی به آموزه توبه در سنت اسلامی و سنت مسیحی داشته باشیم.

۶-۱. پیوند میان توبه و آزادی، هدایت و رستگاری انسان

پیوند میان رستگاری آدمی، لطف الهی و هدایت از جمله شباهت‌های این دو دین در بحث از توبه است. ترک گناه در هر دو سنت اسلامی و مسیحی دارای وجوه تربیتی و آموزشی برای هدایت انسان است؛ چراکه بخشش از سوی پروردگار امید را در دل انسان گنه‌کار زنده نگه داشته و به این معناست که راه بازگشت به مسیر هدایت برای انسان باز است.

در هر دو سنت اسلامی و مسیحی توبه به معنای بازگشت از کفر و شرک به ایمان مورد توجه قرار گرفته است. در هر دو دین موضوع توبه، بازگشت از عمل قبیح و گناه است؛ به بیان دیگر کارکرد توبه ترک گناه است که زمینه سعادت و کمال را در انسان فراهم می‌کند.

اگرچه در سنت مسیحی اختیار انسان به واسطه گناه اولیه ضعیف شده است و انسان به جانب بدی تمایل دارد، اما در هر دو سنت اسلامی و مسیحی اختیار و آزادی انسان در توبه مورد توجه قرار گرفته است.

لطف الهی که شامل حال انسان شده نیز در هر دو سنت اسلامی و مسیحی مورد توجه است. در سنت مسیحی لطف الهی یک امر فراطبیعی است که برای جبران گناه نخستین بشر به انسان اعطا شده است؛ اما در اسلام لطف الهی به معنای

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

باز بودن مسیر بازگشت به سوی خداوند است که پس از بازگشت انسان نوعی لطف الهی ویژه شامل حال او می‌شود.

از دیگر مشابهت‌های مهم در آموزه توبه میان دین اسلام و مسیحیت، نتایج مترتب بر آن است. در هر دو دین، بخشش گناهان و نیل به سعادت و رستگاری و رسیدن به بهشت جاودان از نتایج توبه ذکر شده است.

۶-۲. تفاوت نگرش انسان‌شناسانه و تأثیر آن بر جایگاه توبه

توضیح و تفسیر چگونگی ذات انسان در هر نگرش دینی و مذهبی، مرتبه و جایگاه انسان در عالم هستی را مشخص می‌کند و به تبع آن جایگاه سیاسی-اجتماعی انسان و آینده او نیز در همان چارچوب توضیح و تفسیر می‌شود. در نگرش اسلامی انسان خلیفه خداوند است و بالاترین ظرفیت معرفت‌شناختی را برای شناخت خودش، هستی و خداوند داراست. انسان با چنین ویژگی‌هایی، دارای کرامت ذاتی است و در سرشت او کمال‌طلبی نهاده شده است. در طی این مسیر کمال ممکن است انسان دچار خطای شناختی و یا اخلاقی شود. امکان بازگشت انسان به مسیر کمال بسته نیست و توبه راهی برای بازگشت انسان به مسیر کمال است. اما در نگرش مسیحیت انسان از ابتدای خلقت در جایگاهی والا قرار دارد که بر اثر عصیان و گناه این جایگاه از او سلب می‌شود و تولد حضرت عیسی علیه السلام و ایمان آوردن به او زمینه را برای بازگرداندن انسان به جایگاه اولیه فراهم می‌کند. این نگرش انسان‌شناسانه به نوعی اختیار انسان را به چالش می‌کشد. به عبارتی انسان در دنیا به علت گناه اولیه آدم و حوا توان خوب شدن و حرکت در مسیر کمال را از دست داده است؛ چنانکه آگوستین قدیس تأکید می‌کند «انسان نمی‌تواند کار نیکو انجام دهد. از تجربه و مکاشفه مسیحی می‌توان فهمید که انسان به قدری به گناه آلوده شده است که نمی‌تواند خود را درمان کند». (براون، ۱۳۹۷، ۴) انسان در این تفسیر پیش از مبعوث شدن حضرت عیسی علیه السلام، نمی‌توانست راه کمال را

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

طی کند و تنها پس از آن است که از طریق ایمان به مسیح می‌تواند از این وضعیت رهایی یابد.

از این رو در چنین نگرشی بر اساس عصیان اولیه حضرت آدم علیه السلام، همه انسان‌ها گناه‌کارند و با ایمان می‌توانند از این وضعیت رهایی یابند.

پس اگرچه کارکرد توبه در هر دو دین مربوط به ترک گناهان است، اما در اسلام مشمول گناهانی است که از حال شروع می‌شود و در آینده نیز تداوم دارند اما در مسیحیت این آموزه در ارتباط با گناه ذاتی و جبلی آدم نیز کاربرد دارد؛ بنابراین می‌توان گفت در دین اسلام متعلق توبه گناهان آدمی است؛ اما در مسیحیت گذشته از گناهان آدمی، توبه شامل گناه ذاتی و جبلی انسان نیز می‌شود. اگرچه در این زمینه فارغ از نگاه معرفت‌شناسانه و با نوعی تقلیل بحث، تفسیر فلاسفه مسلمان همچون تفسیر علامه طباطبایی از آموزه توبه را می‌توان از جهاتی دارای مشابهتی اندک با تفسیر مسیحی از آن دانست؛ براساس تفسیر فلسفی علامه طباطبایی انسان دارای فقر ذاتی بوده و در مسیر کمال نیاز به لطف الهی دارد و توبه آدمی در بین دو توبه خداوند و لطف و مغفرت او قرار می‌گیرد، در مسیحیت نیز برای بخشش گناه ذاتی آدمی و رهایی و نجات انسان مسیحی، لطف الهی ضروری است، هرچند تمایز بنیادینی میان آنها برقرار است.

۶-۳. جایگاه عقل در سنت دینی اسلام و مسیحیت و تأثیر آن بر توبه

در سنت اسلامی عقل جایگاه ویژه‌ای دارد. در تفسیر اسلامی درون انسان، دو نیروی عقلانی و شهوانی (حیوانی) نهفته است و در اصل توبه به معنای انقلاب درونی نیروهای عقلانی علیه نیروی شهوانی است. در این رویکرد بازگشت انسان به مسیر درست تحت تأثیر هر شرایطی توبه به حساب نمی‌آید، بلکه توبه آن وقت تحقق پیدا می‌کند که یک انقلاب درونی در وجود انسان پیدا می‌شود و نیروهای

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

عقلانی و مقدس که درون انسان نهفته است علیه نیروهای شهوانی، غضبی و شیطانی وجود انسان قیام می‌کنند و زمام مملکت وجود انسان را در دست می‌گیرند. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۵۵/۲۳) بر این اساس در سنت اسلامی هم از جهت منشأ و هم از لحاظ شرایط تحقق توبه، عقل جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

در مسیحیت نیز اگرچه انسان صاحب عقل و اختیار شناخته می‌شود، اما نمی‌تواند به کمال برسد مگر اینکه راه عشق و محبت خداوند را دنبال کند. در این تفسیر گناه آدم، گناه هر انسانی است و آن گناه علت اصلی رنج و آلام بشری است. به دلیل انجام این گناه انسان به این جهان رانده شده تا متحمل رنج شود. برای رهایی از این رنج خداوند عیسی مسیح را به زمین فرستاد؛ بنابراین با غسل تعمید و توبه و پیروی از تعالیم عیسی مسیح انسان از رنج آزاد می‌شود و با لطف الهی انسان قادر است منزلت والای خود را دوباره به دست آورد؛ بر این اساس در مسیحیت، توبه در کنار سایر آموزه‌های دینی ناشی از نگاه ایمانی و مبتنی بر محبت و لطف الهی تبیین می‌شود و در شروع و آغاز مسیر سعادت و رستگاری آدمی نقشی بی‌بدیل دارد.

۶-۴. تفاوت نسبت انسان با خالق در دو سنت اسلامی و مسیحی

در سنت اسلامی برای مغفرت الهی واسطه‌ای میان انسان و خداوند وجود ندارد؛ اما در سنت مسیحی، دستگاه کلیسا واسطه فیض است. در دین اسلام مرجعیتی برای افراد یا اشخاص خاصی در نظر گرفته نشده است که به واسطه آن انسان گنهکار توبه کند. بحث شفاعت یا توسّل به پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام نیز موضوعی جداگانه است که به بحث توبه و شرایط پذیرش آن ارتباطی ندارد. (نک: مطهری، ۱۳۸٤، ۲٤۳/۱-۲٦٤) در آیات بسیاری از قرآن بر بازگشت انسان به مسیر هدایت بدون نیاز به هیچ واسطه‌ای تأکید شده است. در سنت اسلامی به طورکلی اقرار به گناه نزد دیگران منع شده است:

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

در اسلام گفته‌اند اگر می‌خواهی توبه کنی لازم نیست بروی پیش کشیش، پیش آخوند و گناه را به او بگویی؛ گناه را به خدای خودت بگو، چرا گناه را نزد یک بشر اقرار و اعتراف می‌کنی؟ نزد خدای غفّار الذّنوب خودت اقرار کن. قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ یغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً (زمر، ۵۳). این ندای خداست... بروید به درگاه خدای خودتان ناله کنید. فکر کنید تا گناهان به یادتان بیاید. به کسی نگویید؛ اقرار به گناه پیش دیگران گناه است، ولی در دل خودتان گناهانتان را در نظر بگیرید. (مطهری، ۱۳۸۴، ۵۴۹/۲۳-۵۵۰)

اما در سنت مسیحی فرد باید در محضر کشیش به گناهان خود اعتراف کند و اجابت توبه او از طریق کشیش است. واسطه شدن کلیسا برای بخشیده شدن و پذیرش توبه زمینه‌های انحراف بسیاری را در سیر تکامل سیاسی- اجتماعی کشورهای غربی موجب شد. ایجاد محاکم انگیزاسیون و تفتیش عقاید نتیجه نگرشی بود که آباء کلیسا در ارتباط با جایگاه خود میان انسان و خداوند تعریف کرده بودند.

۶-۵. تشکیکی و تکاملی بودن توبه در اسلام برخلاف مسیحیت

در سنت مسیحی زمینه بازگشت به مسیر فیض الهی از طریق توبه و ایمان به مسیح فراهم می‌شود. انسان به واسطه توبه علاوه بر بخشیده شدن گناه ذاتی و نخستین، گناهان دیگرش نیز بخشیده می‌شود و از مسیر کفر و شرک به مسیر ایمان بازمی‌گردد، بدون اینکه به واسطه نوع توبه شرایط خاصی شامل حالش شود. اما در سنت اسلامی در عین حال که توبه مراحلی دارد که در بالاترین مرتبه آن، انسان موظف است علاوه بر طلب مغفرت و ندامت قلبی و پرهیز از ارتکاب مجدد گناه، امور فوت شده را نیز اعاده کند.

درواقع توبه در اسلام دارای شش مرحله است: پیشمانی از انجام گناه، استغفار زبانی، نیت قلبی برای عدم ارتکاب دوباره گناه، ترک گناه در زمان حال و آینده، جبران حق الناس یا حق الله تضییع شده، از بین بردن گوشت‌های روییده در بدن از

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

حرام و رنج طاعت در مقابل لذت گناه. نتیجه چنین فرآیندی که از دیگر تفاوت‌های آموزه توبه در اسلام و مسیحیت را رقم می‌زند این است که در دین اسلام یکی از نتایج توبه تبدیل سیئات به حسنات برشمرده شده است؛ (فرقان، ۷۰) در حالی که در دین مسیحیت چنین موضوعی از خواص و نتایج توبه ذکر نشده است. به عبارت دیگر انسان تائب در سنت مسیحی در بازگشت به ایمان و مسیر هدایت در نقطه صفر قرار می‌گیرد؛ اما در سنت اسلامی انسان در صورت تائب بودن از نقطه صفر شروع نمی‌کند، بلکه گناهانش نیز نه تنها بخشیده، بلکه تبدیل به حسنات می‌شود.

نتیجه‌گیری

مقایسه آموزه توبه در سنت اسلامی و مسیحی می‌تواند از وجوه مختلفی مورد توجه قرار گیرد. پیوند میان این آموزه با رستگاری، لطف الهی و هدایت انسان از جمله شباهت‌های این دو دین در بحث از توبه است. در هر دو دین بازگشت از عمل قبیح و گناه، موضوع توبه است؛ به بیان دیگر کارکرد توبه ترک گناه است. بخشش گناهان، نیل به سعادت و رستگاری و بهشت جاودان نیز از نتایج توبه است که در هر دو سنت اسلامی و مسیحی مورد توجه قرار گرفته است.

اما در خصوص تفاوت‌ها ضمن جامعیت داشتن توضیح و تفسیر این آموزه در سنت اسلامی باید توجه داشت مطابق سنت اسلامی متعلق توبه صرفاً گناهان انسان است، اما براساس سنت مسیحی گذشته از گناهان، توبه شامل گناه ذاتی و جبلی انسان نیز می‌شود. در سنت اسلامی توبه به دو نوع توبه عبد و معبود تقسیم شده و تفسیر روشنی درخصوص آن ارائه شده است؛ اما در سنت مسیحی چنین تقسیمی وجود ندارد. در سنت اسلامی در خصوص توبه، جایگاه ویژه‌ای برای عقل در نظر گرفته شده است؛ اما در سنت مسیحی بیشتر تأکید بر ایمان و لطف الهی است. در سنت اسلامی برای توبه و مغفرت الهی واسطه‌ای میان انسان و خداوند وجود ندارد؛ اما در سنت مسیحی کلیسا واسطه بخشش و فیض است؛ همچنین در سنت اسلامی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

توبه زمینه رشد تکاملی انسان را فراهم می‌کند؛ اما در سنت مسیحی توبه صرفاً موجب آمرزش گناهان می‌شود. همچنین در وجوب و شرایط قبول توبه نیزتفاوت‌هایی میان دو سنت اسلامی و مسیحی وجود دارد.

منابع

*** قرآن کریم**

۱. ابن‌فارس، احمدبن فارس، ۱۴۰۴ ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۲. ابن‌منظور، ۱۴۰۸ ق، **لسان العرب**، به کوشش علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳. آمدی، ابوالفتح، ۱۴۱۰ ق، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم: دار الکتب الاسلامیه.

۴. الایجی، عضدالدین عبدالرحمن بن احمد، ۱۳۲۵ق، **المواقف**، شارح السید الشریف علی بن محمد الجرجانی، قم: الشریف الرضی.

۵. البحرانی، ابن‌میثم، ۱۴۰۶ ق، **قواعد المرام فی علم الکلام**، تحقیق سید احمد حسینی، قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی.

٦. برانتل، جرج، ۱۳۸۱، **آیین کاتولیک**، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۷. براون، کالین، ۱۳۹۷، **فلسفه و ایمان مسیحی**، ترجمه طه وس میکائیلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۸. بنی‌اسدی، رضا، ۱۳۹۷، «**توبه و ایمان فرعون از دیدگاه امام خمینی و ابن‌عربی**»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، سال ۱۴، شماره ۳۹، بهار و تابستان، صص ۲۲۰-۲۰۷.

۹. پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۸۷، **عقل و اعتقاد دینی**، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.

۱۰. تیسن، هنری، بی تا، **الهیات مسیحی**، ترجمه ط میکائیلیان، تهران: انتشارات حیات ابدی.

۱۱. ثقفی تهرانی، میرزا محمد، ۱۳۵۸ ش، **روان جاوید**، تهران: برهان.

۱۲. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۸، **شرح چهل حدیث**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۱۳. الرازی، محمدبن عمر فخرالدین، ۱۴۱۳ ق، **التفسیر الکبیر**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم، الدار الشامیة.

۱۵. رشید رضا، محمد، ۱۳۷۳ ق، **تفسیر المنار**، قاهره: دارالمنار.

۱۶. رقوی، جواد، ۱۳۹۸، «**تبیین عقلانی آموزه «توبه» در اندیشه علامه طباطبایی**»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی *پژوهش‌نامه کلام*، سال ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۱۱۱-۱۳۳.

۱۷. روحانی، محمود، ۱۳۷۶، **المعجم الاحصائی للالفاظ القرآن الکریم**، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۵، **منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی**، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱۹. شجاری، مرتضی، ۱۳۸۶، «**نگاهی هستی‌شناختی به توبه در عرفان ابن‌عربی**»، پژوهش‌های فلسفی، سال ۵۰، شماره ۲۰۲، پاییز و زمستان، صص ۵۹-۷۵.

۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳ ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۰۲ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۲۲. الطبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۴۰۶ ق، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه.

۲۳. الطبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۵ ق، **جامع البیان**، به کوشش صدقی جمیل، بیروت: دار الفکر.

۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، **مجمع البحرین**، تحقیق سید احمد حسینی، تهران: مکتبة المرتضویة.

۲۵. الطوسی، نصیرالدین، ۱۴۰۷ ق، **تجرید الاعتقاد**، تحقیق محمدجواد حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۶. عبدالجبار بن احمد، ۱۴۲۲ ق، **شرح الاصول الخمسه**، تعلیق احمدبن حسین ابی‌هاشم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

۲۷. العسکری، ابوهلال، ۱۴۱۲ ق، **معجم الفروق اللغویه**، قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین.

۲۸. علامه حلی، حسن‌بن یوسف، ۱۴۱۹ ق، **کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**، به کوشش حسن حسن‌زاده آملی، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۲۹. علایی رحمانی، فاطمه، غلامی نژاد، فهیمه، ۱۳۹۶، «**بررسی و استخراج معادل‌های واژانی توبه در نهج‌البلاغه با استناد به فروق اللغات**»، در فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، سال ۲، شماره ۱، بهار، صص ۱۰۹–۱۲۸.

۳۰. علمی، قربان، نظرپور نجف‌آبادی، حامد، ۱۳۹۳، «**بررسی مقایسه‌ای نتایج ایمان از دیدگاه پولس و فخر رازی**»، الهیات تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۱۱، صص ۷۳–۹۰.

۳۱. الفاضل مقداد، جمال‌الدین، ۱۴۰۵ ق، **ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین**، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

۳۲. فروم، اریک، ۱۳۷۷، **همانند خدایان خواهیم شد**، ترجمه نادر پورخلخالی، تهران: [بی نا].

۳۳. الفیض الکاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ۱۴۱۷ ق، **المحجة البیضاء**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳٤. **کتاب مقدس**، گودالمینگ: ایلام.

۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸٤، **مجموعه آثار**، تهران: صدرا.

۳٦. مفتاح، احمدرضا و ربانی، محسن، ۱۳۹۳، «**مقایسه مفهوم فدیه از نظر مسیحیت و شفاعت از نظر شیعه**»، الهیات تطبیقی، دوره پنجم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص. ۱٤۳–۱٦۰.

۳۷. مفتاح، احمدرضا، قنبری، حسن، سلیمانی، حسین، **تعالیم کلیسای کاتولیک**، ۱۳۹۳، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۳۸. المفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، **اوائل المقالات**، تحقیق ابراهیم انصاری زنجانی و تصحیح فضل... زنجانی، قم: دارالمفید.

۳۹. مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۸۲، **مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی**، ترجمه بهروز حدادی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

٤٠. مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۹۳، **درسنامه الهیات مسیحی،** ترجمه محمدرضا بیات و دیگران، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

٤١. مک‌گراث، آلیستر، ۱۳۹۵، **الاهیات،** ترجمه ا. ساوار، قم: نشر ادیان.

۴۲. **الموسوعة الفقهیة،** ۱۴۰۸ق، کویت: ذات السلاسل.

۴۳. الموسوی السبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۱۴ ق، **مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن،** قم: دفتر آیت الله سبزواری.

۴۴. میری، محمد، ۱۳۹۹، «**بررسی و تحلیل مبانی عرفانی بالاترین مرتبه توبه (توبه از ماسوی الله)**»، ادیان و عرفان، سال ۵۳، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۴۹۹-۵۱۶.

٤٥. میشل، توماس، ۱۳۸۱، **الهیات مسیحی،** ترجمه حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

۴۶. نظری، جواد و ملک‌زاده، هادی، ۱۳۹۷، «**تحلیل فلسفی توبه در پرتو حرکت جوهری از منظر انسان‌شناسی صدرایی**»، فصلنامه علمی- پژوهشی *آیین* حکمت، سال دهم، شماره ۳۸، زمستان، صص ۲۱۳-۲۳۸.

٤٧. نورگارد – هوژن، پدر، ۱۳۷۹، «**گناه از دیدگاه مسیحیت**»، مقدمه‌ای بر شناخت مسیحیت، گردآوری و ترجمه همایون همتی، تهران: نقش جهان.

۴۸. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،** قم: مؤسسة آل البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

٤٩. ون آستن، هاروی، ۱۳۹۰، **فرهنگ الهیات مسیحی،** ترجمه جواد طاهری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵۰. ویسی، محمود و جهاندار امینی، ۱۳۹۱، «**توبه از دیدگاه قرآن و سنت**»، فروغ وحدت، سال ۷، شماره ۲۸، تابستان، صص ۱۲-۲۹.

51. Collin, Gerald O. (2007). *Jesus Our Redeemer: A Christian Approach to Salvation*, New York: Oxford University press.

52. Etzioni, Amitai, and E. Carney, David (eds.) (1997). *Repentance: a comparative perspective*, lanham, md: Rowman&Littlefield publishers.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]

53. Lambert, David A. (2016). *How Repentance Became Biblical: Judaism, Christianity, and the Interpretation of Scripture*, New York: Oxford University Press

Ware, Kallistos (2001).*The inner kingdom*, Vol, 1 of the collected works, New York: Crestwood.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-11-15]